

# روسیه و آسیای مرکزی: امکانات و محدودیت‌ها در بهره‌برداری از منابع منطقه

## الهه کولایی<sup>۱</sup>

پیوندهای اقتصادی جمهوری‌های آسیای مرکزی با یکدیگر و با جمهوری‌های دیگر در اتحاد شوروی تحت تأثیر ویژگی‌های جغرافیایی این کشورها اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. دگرگونی در الگوهای ارتباطات تجاری، ارتباط مستقیم با ویژگی‌های جغرافیایی این منطقه و به‌ویژه محصور بودن آنها در خشکی دارد. این ویژگی، دگرگون‌سازی این الگوها را دشوار می‌سازد و یا لافل زمانی مناسب برای تغییر آن را ضروری می‌کند. روند تحولات داخلی و خارجی روسیه را نسبت به مسایل پیرامون خود بسیار حساس ساخته و ارتباط نزدیک مسایل اقتصادی با ملاحظات سیاسی - امنیتی این حساسیت را شدت بخشیده است. نگرانی از انتقال تجارب «خارج نزدیک» به جمهوری‌های عضو نظام فدرال این مسأله را تشدید کرده است. هراس انتقال تجربه «اتحادشوروی» به نظام فدرال روسیه اینک بسیار توسعه یافته است. تجارب تجزیه‌طلبی در قفقاز موجه بودن این هراس را روشن می‌سازد.

یکی از اهداف و کارکردهای اصلی رهبری اتحاد شوروی، همانند هدفی که در ساختارهای سیاسی وجود داشت، هدایت و اجرای سیاست اقتصادی - اجتماعی واحد و مدیریت اقتصادی واحد در سراسر کشور بود. به هم پیوستگی جمهوری‌ها و وظایف مشخصی را در برابر هریک از آنان قرار داده بود. ترکیب جمهوری‌ها شمای پیچیده‌ای از اندرکنش‌های اقتصادی بود که براساس امکانات و شرایط محلی در سازمان اقتصادی ملی ایفای نقش می‌کرد. همه جمهوری‌ها در اجرای برنامه‌های اقتصادی سراسری سهم خاص خود را داشتند، هیچ‌یک از آنها بدون اقدام مشترک با یکدیگر قادر به ایفای نقش خود نبودند. در دهه ۱۹۶۰

۱. دکتر الهه کولایی عضو هیأت تحریریه فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز و عضو هیأت علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران است.

مفهوم مجموعه اقتصادی یکپارچه بیشتر مورد توجه قرار گرفت. یکپارچه‌سازی اقتصادی جمهوری‌ها در یک مجموعه ملی از طریق توسعه پیوندهای اقتصادی در میان جمهوری‌ها و توسعه زیرساخت‌های سطح اتحاد و سیستم‌های اقتصادی سطح اتحاد تحقق یافت.

حمل و نقل، ارتباطات، تأمین انرژی، تجهیزات فنی و مادی، تجارت، واردات و صادرات میان جمهوری‌ها در این خصوص قابل اشاره می‌باشد. شبکه‌های توزیع آب و برق، جریان پول و قیمت‌گذاری و مالیه متمرکز این همبستگی‌ها را تقویت می‌کرد. مناطق جمهوری‌های مختلف تحت تأثیر ملاحظات اقلیمی، و منابع خود ایفای نقش می‌کردند و برای تأمین نیازهای خود به دیگر جمهوری‌ها و از همه مهمتر روسیه وابسته شده بودند. منطق منطقه‌گرایی نزدیکی فزاینده جمهوری‌ها را فرآیند پیچیده‌ای دنبال می‌کرد. این فرآیند برخی از جمهوری‌ها را در شرایط ممتازی نسبت به دیگران قرار می‌داد، نقش منابع و امکانات اقتصادی هر یک از جمهوری‌ها در این خصوص دارای اهمیت اساسی بود. همکاری جمهوری‌ها در شرایط دشواری‌های اقتصادی افزایش می‌یافت.

در مجموعه اقتصادی یکپارچه اتحاد شوروی پیچیده‌ترین شرایط در آسیای مرکزی قرار داشت. این منطقه از نظر اقتصادی از جمله عقب‌مانده‌ترین بخش‌های اتحاد شوروی به‌شمار می‌رفت. منابع عظیم انرژی در ازبکستان، قزاقستان و ترکمنستان شرایط آنها را متفاوت از تاجیکستان و قرقیزستان ساخته بود. براساس آمارهای صندوق بین‌المللی پول در سال ۱۹۹۱، آخرین سال حاکمیت نظام کمونیستی، سهم مبادلات تجاری در میان جمهوری‌ها نسبت به تولید ناخالص داخلی آنها نسبت به اتحادیه اروپا ۲۹ درصد بیشتر بود.<sup>(۱)</sup> این آمار بیانگر توفیق اتحاد شوروی و برنامه‌ریزان اقتصادی - سیاسی آن در یکپارچه‌سازی اقتصادی جمهوری‌ها بود. تخصصی شدن اقتصادهای منطقه و از میان رفتن تنوع تولید رونمای بود که از قبل از حاکمیت کمونیسم در آسیای مرکزی آغاز شده بود<sup>(۲)</sup> و اجرای برنامه‌های نوسازی کمونیستی به آن شدت بخشید.

در پایان سال ۱۹۹۱ با تشکیل جامعه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع از سوی رهبران جمهوری‌های اسلاو آسیای مرکزی در شرایط استقلال ناخواسته قرار گرفت.<sup>(۳)</sup> و این وجه سیاسی مسأله بود. با فروپاشی اتحاد شوروی ایده اتحادیه منطقه‌ای مطرح گردید. تاجیکستان که همه ماشین‌آلات کشاورزی، اتومبیل‌ها و کامیون‌های خود را باید وارد کند،

قرقیزستان که کود و سم و گازوئیل مورد نیاز خود را باید وارد کنند، و ترکمنستان که ۴۵ درصد شیر و لبنیات، ۶۵ درصد مواد غذایی مصرفی و ۷۰٪ گوجه فرهنگی خود را وارد می‌کند، در شرایط جدید و غیرمنتظره قرار گرفتند. ۹۰٪ پنبه ازبکستان باید به خارج از این کشور صادر گردد و همبستگی‌های منطقه‌ای تحت تأثیر شرایط سیاسی مورد غفلت قرار گرفت.

پیوندهای اقتصادی جمهوری‌های آسیای مرکزی با یکدیگر و با جمهوری‌های دیگر در اتحاد شوروی تحت تأثیر ویژگی‌های جغرافیایی این کشورها اهمیت بیشتری پیدا می‌کنند. دگرگونی در الگوهای ارتباطات تجاری، ارتباط مستقیم یا ویژگی‌های جغرافیایی این منطقه و به‌ویژه محصور بودن آنها در خشکی دارد. این ویژگی، دگرگون‌سازی این الگوها را دشوار می‌سازد و یا لاقط زمانی مناسب برای تغییر آن را ضروری می‌کند.

بزودی، در پایان نخستین سال استقلال جمهوری‌های آسیای مرکزی رهبران آن به نتیجه‌گیری واحدی رسیدند، و آن اینکه اشکال جدیدی از همگرایی اقتصادی در منطقه تأمین‌کننده منافع آنان خواهد بود. تقویت روند همگرایی منطقه‌ای در جهان پس از نظام دوقطبی، همراه با گریز از این روند در منطقه آسیای مرکزی بازتابی از سیاست‌های دوران اتحاد شوروی و تلاش برای تحقق بخشیدن به جنبه‌های گوناگون استقلال یافتن این جمهوری‌ها بود. ولی همبستگی‌های اقتصادی آسیای مرکزی رهبران این جمهوری‌ها را در تلاش برای یافتن اشکال نوینی از همگرایی منطقه‌ای قرار داد.<sup>(۴)</sup>

تشکیل جامعه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع با توجه به واقعیات میرم و انکارناپذیر منطقه هرچند در ابتدا ابهامات بسیاری را در مورد آینده خود برانگیخته بود، در شرایط توجه جدی به این واقعیت‌ها در مسیر روشن‌تری قرار گرفته است. برداشت‌های غیرواقعی از مفهوم استقلال بزودی رهبران جمهوری‌های آسیای مرکزی را به سوی همکاری جمعی در منطقه سوق داد. هرچند مداخله‌گرایی روسیه از زوایای گوناگون با مقاومت مواجه شد، ولی جمهوری‌ها بزودی دریافتند مسکو همچنان توان یاری رساندن مؤثر به آنان را دارا می‌باشد.<sup>(۵)</sup> انرژی ارزان، اعتبارات و خریدهای روسیه از این جمهوری‌ها در این راستا قابل اشاره است. ادامه فعالیت صنایع این منطقه بدون کمک روسیه میسر نبوده، ولی رهبران جمهوری‌های آسیای مرکزی کوشیده‌اند به چارچوبهای جدیدی دست یابند.

برخلاف انتظار جمهوری‌های آسیای مرکزی فروپاشی شوروی نه تنها مشکلات اقتصادی آنها را کاهش نداده بلکه سبب شدت یافتن وخامت امور اقتصادی نیز شده است. روند تحولات اقتصادی پس از فروپاشی شوروی بیشترین سهم را در احیای تمایلات همگرایانه در آسیای مرکزی ایفا کرد و تأثیر دیگر این گرایش تضعیف حاکمیت‌های سیاسی آسیای مرکزی در قبال تمایلات مسکو و آسیب‌پذیری آنها بوده است. تخریب بنیان‌های اقتصادی در این جمهوری‌ها سبب افزایش تمایل بر همکاری با مسکو از سوی آنها شده است.<sup>(۶)</sup> به این ترتیب، ساختارهای اقتصادی برجای مانده از دوران اتحاد شوروی به‌رغم فروپاشی سیاسی - اقتصادی - اجتماعی نظام کمونیستی، تأثیرات نافذ خود را در منطقه تداوم بخشیده‌اند. میراث همبستگی‌های منطقه‌ای ضرورت توجه به توسعه همکاری‌های متقابل با روسیه را در جمهوری‌های آسیای مرکزی شدت بخشیده است. به رغم میراث دوران اتحاد شوروی تمایلات استقلال‌طلبانه توسعه یافت، ولی واقعیت‌های ناشی از نظام اقتصادی یکپارچه دوران اتحاد شوروی غیرقابل کتمان بوده است.

توسعه احساسات ملی‌گرایانه در روسیه و توجه به «خارج نزدیک» در سیاست‌های داخلی و خارجی این کشور در روابط آن با آسیای مرکزی نیز تأثیر جدی داشته است.<sup>(۷)</sup> استقلال سیاسی جمهوری‌های آسیای مرکزی در مواجهه با پیوندهای اقتصادی دچار ضعف و انحطاط گردیده است. در جریان انتخابات دومای روسیه در سال ۱۹۹۵ تقریباً همهٔ رقبای انتخاباتی ضرورت احیای پیوندهای پیشین دوران اتحاد را مورد توجه قرار داده بودند، هر یک از آنان از زاویه ملاحظات سیاسی و یا اقتصادی و حتی امنیتی به این مسأله توجه کرده بودند. در سال ۱۹۹۶ روند توجه به همگرایی و احیای آن شدت یافت. تشکیل اتحادیه گمرکی در آسیای مرکزی و نیز در میان قزاقستان، قرقیزستان، روسیه و روسیه سفید...

روسیه تحکیم همگرایی را حتی به قیمت به تأخیر افتادن یکپارچه شدن آن در اقتصاد جهانی مورد توجه قرار داده است. مفهوم همگرایی مجدد در میان جمهوری‌ها به معنی دفع آثار فروپاشی است. روند مبادلات تجاری جمهوری‌ها که در سال‌های ۱۹۹۳ و ۱۹۹۴ روبه کاهش نهاده بود، مجدداً مورد توجه قرار گرفته است. در سال ۱۹۹۶ توجه به همگرایی مجدد و ایجاد اتحادیه اقتصادی یکپارچه، تقویت نهادهای مالی در اتحادیه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع در این زمینه حائز اهمیت بوده است. در واقع پس از فروپاشی اتحاد شوروی،

از سال ۱۹۹۳ قراردادهای متعددی در چارچوب CIS به امضا رسیده است که با توسعه تمایل جدید بهبود پیوندهای اقتصادی و بهره‌برداری از آن و نه احیای رژیم پیشین مورد توجه بوده است. ولی جمهوری‌های آسیای مرکزی در پی به دست آوردن تعریف جدیدی از منافع ملی خود در برابر روسیه می‌باشند. آنها در این راستا دیدگاه‌های متفاوتی نیز داشته‌اند. واکنش آنها در برابر دومای روسیه در مورد لغو و محکوم کردن فروپاشی اتحاد شوروی بسیار منفی و تند بوده است. رهبران آسیای مرکزی پیوندهای اقتصادی را آن‌گونه که در الگوهای همگرایی مطرح شده است، در جهت تأمین منافع مشترک خود مورد توجه قرار داده‌اند و این منافع مشترک باید در چارچوب‌های ملی قرار گیرد.

رهبر اوکراین به رغم تمایلات استقلال طلبانه خود در ضرورت توجه به پیوندهای اقتصادی جمهوری‌های بازمانده از شوروی گفته است: «کسی که در پی تجزیه شوروی نباشد قلب ندارد، و کسی که در پی احیای آن باشد مغز ندارد»<sup>(۸)</sup> توافق‌های جامعه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع در این محتوی در آسیای مرکزی قابلیت کاربرد خواهد داشت.

ولی برای روسیه توسعه روابط براساس پیوندهای پیشین از منظر دیگری قابل توجه است، کاملاً قابل پیش‌بینی است که روسیه نیازهای خود را از دیگر نقاط جهان با کیفیت بهتر و قیمت‌های مناسب‌تر دریافت کند. روسیه همچنان وابسته به صدور نفت و مواد خام است و در منطقه CIS بهای مواد خام همچنان از بهای بازارهای جهانی پایین‌تر است.

منافع ملی روسیه در تجدید همگرایی اقتصادی - سیاسی - استراتژیک در منطقه CIS است، ولی اقتصادهای شکننده و ضعیف این منطقه به نوبه خود روند همگرایی مجدد در میان آنها را دشوار می‌سازد.<sup>(۹)</sup> در واقع مسکو با دو معمای عمده در آسیای مرکزی مانند منطقه CIS مواجه است:

۱. تضاد میان منافع اقتصادی در CIS یا آسیای مرکزی و منافعی که از توسعه روابط با اقتصاد جهانی عاید می‌شود. از سوی دیگر رفع موانع تجاری به نفع همه است. پیوندهای اقتصادی در دوران اتحاد شوروی به دلایل سیاسی مورد انکار قرار گرفت، ولی تنزل جدی در درآمدها و منافع اقتصادی همه کشورها ضرورت توجه مجدد به آن را مطرح ساخته است. احیای پیوندها به گونه‌های جدید به نفع همه است.

۲. دومین مسأله دستاوردهای استراتژیک سیاسی از همگرایی مجدد است و

هزینه‌های اقتصادی را قابل تحمل می‌سازد.

روسیه برای CIS و تقویت آن سوبسیدهای زیادی می‌دهد. در نیمه سال ۱۹۹۵ شرکای روسیه در جامعه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع حدود ۵ تریلیون روبل بدهکاری به روسیه داشته‌اند، که بخش عمده آن به دلیل واردات انرژی از روسیه است. این هزینه‌ها با توجه به دشواری‌های اقتصادی روسیه خود بار سنگینی محسوب می‌شود. (۱۰)

در روسیه دیدگاه همگرایی در درجات متفاوتی قرار می‌گیرد. دیدگاه اوروآتلانتیک‌گرایان نزدیکی به غرب و یکپارچگی در اقتصاد جهانی را مورد توجه قرار داده‌اند، در حالی که در نگاه اوراسیاگرایان جدید روسیه منافع ژئوپلیتیکی آن مورد تأکید قرار می‌گیرد. تلاش‌های آمریکا برای توسعه نفوذ در پیرامون روسیه و به گونه‌ای محصور کردن این کشور در مرزهای فدراسیون روسیه، سبب تقویت این نگرش شده است. (۱۱) اهمیت «خارج نزدیک» و ضرورت توسعه روابط نزدیک و احیای یکپارچگی با آن به یکی از مباحث اصلی سیاست خارجی روسیه تبدیل گردید. از سال ۱۹۹۳ این روند روبه توسعه داشته است.

در شرایطی که حداقل ۲۵ درصد مردم روسیه زیر خط فقر زندگی می‌کنند و حدود نیمی از آنان دچار بیکاری واقعی یا پنهان هستند، کاهش تولیدات صنعتی ادامه می‌یابد، بهبود روابط اقتصادی با جمهوری‌های بازمانده از اتحاد شوروی بی‌تردید هزینه‌های زیادی را بر اقتصاد این کشور تحمیل می‌کند، که مزایای سیاسی آن جبران‌کننده تلقی می‌شوند. (۱۲)

یکی از حساس‌ترین عرصه‌های این پیوندهای در حال بازسازی، عرصه انرژی، تولید و انتقال آن است. ترکمنستان که دارای ذخایر عظیم نفت و گاز طبیعی است همچنان برای انتقال آن به بازارهای جهانی وابسته به روسیه است. متخصصان گاز پروم و تشکیل شرکت ترکمنی - روسی برای اکتشاف در منطقه آمودریا و سواحل خزر در ترکمنستان، با کمک شرکت ترکمن گاز بیانگر تلاش‌های مشترک دو کشور برای کنترل صدور گاز طبیعی در CIS می‌باشد. اهمیت این همکاری با توجه به تلاش‌های پیگیر غرب در ارائه راه‌های جایگزین برای کاهش نفوذ و تأثیر روسیه قابل توجه باشد.

به این ترتیب رهبران روسیه ضمن توسعه همکاری با رهبران آسیای مرکزی، جلوگیری از تنزل بیشتر اقتصادی، ایجاد نظام کارایی از مالیه عمومی، و ایجاد یک سیستم معتبر تجارت بین‌الملل و سرمایه‌گذاری را دنبال می‌کنند. کاهش مستمر GNP که از ۱۹۸۵

تاکنون ادامه یافته، کاهش تولیدات صنعتی، تولیدات معدنی، کسری بودجه، بدهی خارجی بیش از ۸۰ میلیون دلاری، روسیه را به تجدید همگرایی در CIS و در آسیای مرکزی علاقه‌مندتر ساخته است. تلاش مجدانه رهبران آسیای مرکزی در یافتن شرکای تجاری مناسب، بدانگونه که بتوانند جایگزین روسیه گردند؛ در این زمینه تأثیر جدی داشته است.

منابع عظیم انرژی در آسیای مرکزی سبب توسعه رقابت‌های منطقه‌ای شده است. (۱۳) آمریکا و کشورهای غربی برای بهره‌مندی از این منابع تلاش پیگیری را در این منطقه سازمان داده‌اند. منابع عظیم نفت و گاز طبیعی ترکمنستان که آن را در مقام سومین کشور جهان قرار داده و نیز بزرگترین کارخانه غنی‌سازی اورانیوم در تاجیکستان بر اهمیت این منطقه افزوده است. ویژگی‌های جغرافیایی آسیای مرکزی نقش سنتی روسیه را در اتصال آن با جهان و بازارهای جهانی تداوم بخشیده است. در این زمینه آمریکا و کشورهای غربی به جستجوی وسیعی برای یافتن و ارائه جایگزین‌های مناسب پرداخته‌اند، این امر سبب شکل‌گیری رشته‌ای از رقابت‌های پیگیر در منطقه گردیده است. (۱۴) جمهوری اسلامی ایران در این راستا از اهمیت بسیاری برخوردار می‌باشد. ابزار مهمی که در این خصوص باید مورد توجه قرار گیرد سرمایه‌گذاری‌های خارجی و مورد نیاز در این منطقه است، که روسیه دچار محدودیت‌های جدی در مورد آن است.

ترکمنستان به دلیل دارا بودن ظرفیت اقتصادی بالا در میان جمهوری‌ها در روابط خود با مسکو تمایلات استقلال‌طلبانه‌ای را آشکار کرده است. در اجلاس رهبران CIS در مه ۱۹۹۲ در تاشکند که ایجاد نظام واحد اقتصادی پذیرفته شد، رهبری ترکمنستان تقویت روابط اقتصادی با دیگر کشورها را نیز مورد توجه قرار داد. نیازاف به روابط دوجانبه بیشتر تمایل نشان داده است، ولی خطوط ارتباطی، خطوط انتقال نفت و گاز و زیرساخت‌های اقتصادی، صنعتی و ارتباطی توان آن را در این راستا محدود می‌نماید. ترکمنستان در پی فروش نفت و گاز خود در برابر بهای بالا و مناسب جهانی می‌باشد. این کشور در مواقع مقتضی برای اعمال فشار بر شرکای تجاری خود در CIS صدور گاز صادراتی خود را نیز قطع کرده است. بنابراین آنچه برای ترکمنستان جالب و جاذب است جلب سرمایه‌های خارجی و کمک‌های فنی مورد نیاز آن می‌باشد. کسب امتیازات از کشورهای توانمند و بهره‌گیری از آن در اکتشاف و استخراج منابع جدید برای کسب ارز معتبر قابل توجه است. (۱۵)

دیگر جمهوری‌های آسیای مرکزی مانند ازبکستان و قزاقستان نیز به‌رغم توانایی‌های اقتصادی محدودتر خود در همین مسیر گام برمی‌دارند.<sup>(۱۶)</sup> لذا توانایی ارائه پاسخ لازم از سوی روسیه به توانایی اقتصادی آن و در واقع پذیرش هزینه‌های اقتصادی مربوطه پیوند داده می‌شود. در این خصوص فعالیت‌های گسترده‌ای از سوی شرکت‌ها و کشورهای خارجی در منطقه صورت گرفته است. تلاش برای کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد جمهوری‌های آسیای مرکزی نیز به نوبه خود باید مورد اشاره قرار گیرد. ولی ملاحظات حاکم بر این امر بیش از آنکه اقتصادی باشد سیاسی است.

براساس آمار وزارت اقتصاد در روسیه، در سال ۱۹۹۲ کالاهای وارد شده از قزاقستان ۶۰-۷۰ درصد قیمت‌های جهانی جهانی بوده، در حالی که روسیه کالاهای خود را ۳۰-۴۰ درصد قیمت‌های جهانی ارائه کرده است. به این ترتیب سالانه ۲ تریلیون روبل یعنی ۱۴ درصد GDP خود سوئید پرداخته است. ملاحظات سیاسی - امنیتی روسیه در پیرامون خود پرداختن سوئید برای تأمین آن را توجیه می‌نماید. در همان حال در داخل روسیه اختلاف در میان جناح‌های مختلف در مورد نحوه ارتباط با جمهوری‌های آسیای مرکزی همانند دیگر جمهوری‌ها ادامه یافته است. هرچند کاهش صادرات به جمهوری‌ها برای مثبت کردن تراز تجاری نیز مورد توجه اقتصاددانان روسی بوده است.

یکی از جنبه‌های مهم روابط روسیه و جمهوری‌های آسیای مرکزی و تعارض با توسعه نفوذ بیگانگان در حوزه دریای خزر آشکار شده است.<sup>(۱۷)</sup> تمایل رهبران ترکمنستان و قزاقستان به بهره‌گیری از سرمایه‌گذاری‌های غربی و کاهش آسیب‌پذیری خود در برابر روسیه، برای مقابله با پیامدهای سیاسی همگرایی اقتصادی در این زمینه قابل اشاره می‌باشد. واقعیت پیوندهای عمیق و وسیع اقتصادی میان جمهوری‌های آسیای مرکزی و روسیه روند همگرایی مجدد را تقویت کرده است. این امر بی‌تردید در کنار تقویت تمایلات سیاسی استقلال‌طلبی ظاهر شده است. لذا این جنبه‌ها به‌طور جداگانه باید مورد توجه قرار گیرد.

به این ترتیب پیوندهای برجای مانده از فروپاشی اتحاد شوروی به‌زودی پس از مدت کوتاهی باطل بودن ایجاد خلاء استراتژیک در آسیای مرکزی را ظاهر ساخت. ولی این بار تمایل برای همگرایی مجدد و احیای روابط اقتصادی از هم گسسته براساس منطق قواعد اقتصادی مورد توجه قرار گرفته است. روسیه نیز با درک این الزام و ملاحظات امنیتی -



سیاسی خود در آسیای مرکزی در پی بهره‌گیری از آن برآمده است. در مورد اهمیت خارج نزدیک در سیاست خارجی و داخلی روسیه امروز نشانی از تردید نیست. ولی به‌رغم فروپاشی، پایان جنگ سرد و نظام دوقطبی هنوز برخی از سیاستمداران در آمریکا و روسیه روابط دو کشور را در چارچوب کلیشه‌های جنگ سرد تحلیل می‌کنند، آسیای مرکزی یکی از جلوه‌گاه‌های این برداشت‌هاست.<sup>(۱۸)</sup> نه تنها تداوم جغرافیایی، بلکه همگرایی اقتصادی روند تحولات در آسیای مرکزی را به نفع روسیه سوق داده است. هیچ جنبش استقلال‌طلبی جدی در آسیای مرکزی وجود نداشته، و ملی‌گرایی در این منطقه با جمهوری‌های بالتیک قابل مقایسه نیست. نه تنها روسیه، که رهبران آسیای مرکزی نیز خواستار عقب‌نشینی روسیه از منطقه نیستند. تهدید اصول‌گرایی اسلامی و بی‌ثباتی سیاسی - نظامی در منطقه در تبیین آن کافی است. در آیین نظامی جدید روسیه نیز توجه جدی به آن صورت گرفته است. ولی دشواری‌های اقتصادی روسیه و بار سنگین سوبسیدهای همگرایی مجدد نیز برای اقتصاد روسیه گران است. در این زمینه ملاحظات سیاسی - امنیتی پذیرش بار آن را تحمل‌پذیری می‌سازد.

روند تحولات داخلی و خارجی روسیه را نسبت به مسایل پیرامون خود بسیار حساس ساخته و ارتباط نزدیک مسایل اقتصادی با ملاحظات سیاسی - امنیتی این حساسیت را شدت بخشیده است. نگرانی از انتقال تجارب «خارج نزدیک» به جمهوری‌های عضو نظام فدرال این مسأله را تشدید کرده است. هراس انتقال تجربه «اتحادشوروی» به نظام فدرال روسیه اینک بسیار توسعه یافته است. تجارب تجزیه‌طلبی در قفقاز موجه بودن این هراس را روشن می‌سازد.

## یادداشت‌ها

1. Sheila Marnie and Erik Whitlock, «Central Asia and Economic Integration», RFE/RL Research Report, Vol.2, No.14, April 1993, p.35.

2. Ibid., pp.34-37.

۳. برای اطلاع بیشتر ر.ک. به: نگارنده، سیاست و حکومت در آسیای مرکزی، تهران: سمت، ۱۳۷۶.



4. Roger D. Kargas, «Problems of State-Building in the Central Asian Republics», *World Affairs*, Vol.157, No.1, Summer 1994, pp.32-33.
5. Erik Whitlock, «Obstacles to CIS Economic Integration», RFE/RL Research Report, Vol.2, No.27, July 1993, p.37.
6. Kargas, *op.cit.*, p.33.
7. Martin Klatt, «Russians in the Near Abroad», RFE/RL Research Report, Vol.3, No.32, 19 Aug. 1994, pp.33-37.
۸. برای اطلاع بیشتر رک.به: نگارنده، سیاست و حکومت در فدراسیون روسیه، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۶، فصل دوم.
9. Whitlock, *op.cit.*
10. Maxim Shashenko, «Russian Peacekeeping in the «Near Abroad», *Survival*, Vol.36, No.3, Autumn 1994, pp.56-59.
11. Leszek Buszynski, «Russia and the West, Towards Reviewed Geopolitical Rivalry? *Survival*, Vol.37, No.3, Autumn 1995, pp.105-106.
12. Stephe Blank, «Russia's Return to Mideast Diplomacy, *Orbis*, Vol.40, No.4, Fall 1996, p.518.
13. George Lenczowski, «The Caspian Oil and Gas Basin: A New Source of wealth?» *Middle East Policy*, Vol.V, No.1, Jan 1997, pp.111-113.
14. Thomas H. Henriksen, «The Coming Great Powers Competition», *World Affairs*, Vol.158, No.2, Fall 1995, pp.66-67.
15. Bess Brown, *Central Asia: The Economic Crisis Deepens*, RFE/RL Research Report, Vol.3, No.1, 7 Jan 1997, p.67.
16. Marnie & Whitlock, *op.cit.*, p.43.
17. Lenczowski, *op.cit.*, pp.111-112.

۱۸. آمریکا دست مسکو را در آسیای مرکزی گاز می‌گیرد. ایزوستیای مالی، (ضمیمهٔ ایزوستیا) ۷۴/۲/۲۱.

